

بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
به مناسبت گزینش نخستین رئیس جمهوری

بنی صدر یک فرصت تاریخی را با خود بزرگ بینی از کف داد



دوره هفتم، سال اول، شماره 156
پنجشنبه 11 بهمن ماه 1358

گزینش نخستین رئیس جمهوری اسلامی ایران بدون تردید یکی از برجسته ترین رویدادهای سراسر تاریخ میهن ماست. مبارزه مردم کشور ما برای برانداختن نظام پوسیده و فاسد سلطنتی و پی ریزی **نظام جمهوری**، سابقه ای دراز دارد. مردم این مرز و بوم در طول تاریخ خود بارها و بارها علیه سلاطین جبار بپاخواستند. این مبارزه بارها به خون کشیده شد و اگر هم پیروزی به دست آمد، تنها به تعویض یک سلطان جبار به وسیله سلطان جبار دیگری منتهی گردید. اساس سلطنت باقی ماند و با آن استبداد سلطنتی دوباره راه خود را باز کرد.

در جریان و پس از پایان جنگ اول جهانی، مبارزات خلق های ایران برای استقلال و آزادی، که با انقلاب مشروطیت آغاز شده بود، تحت تاثیر تضادهای درون جامعه ایران و به ویژه تحت تاثیر دگرگونی های عظیمی که با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و فروری نظام ستم پیشه امپراطوری تزارها در روسیه پدیدار شده بود، اوج بی سابقه ای یافت. در این دوران است که مسئله جمهوری برای اولین بار از طرف انقلابیون ایران در آذربایجان و گیلان در کشور ما مطرح گردید و دامنه چشمگیری پیدا کرد. کودتای ننگین انگلیسی رضاخان و سید ضیالالدین این موج سرکوب کرد. سلسله پهلوی نظام فرتوت و منفور استبداد سلطنتی را بار دیگر حفظ و تحکیم نمود.

پس از شهریور 1320، حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی است که مسئله برانداختن رژیم سلطنتی و برقراری جمهوری را در برنامه خود قرار داد و برای مدت طولانی به تنهایی در این میدان نبرد کرد.

جنایت ها و خیانت های خاندان پهلوی در سال های اخیر با سرعت بی سابقه ای مردم را به لزوم تغییر بنیادی در نظام اجتماعی معتمد ساخت. موضع گیری قاطع و آشتی ناپذیر امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، در تبدیل این گرایش به خواست عمومی خلق، نقش تاریخی و تعیین کننده ای ایفا کرد. رژیم پوسیده و فاسد خاندان پهلوی و با آن نظام استبداد سلطنتی، بر اثر انقلاب خلق های ایران سرنگون گردید و پایه های جمهوری نوین ایران، جمهوری اسلامی ایران، پی ریزی شد.

با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و انتخاب نخستین رئیس جمهور، گام های مهم تازه ای برای تثبیت و رشد این «نوزاد» انقلاب ایران برداشته شد. انتخاب نخستین رئیس جمهور صرفنظر از هر گونه نتیجه گیری درباره آن، پیروزی بزرگ انقلاب

ایران به شمار می رود. حزب توده ایران این پیروزی بزرگ را به همه مردم ایران از صمیم قلب شادباش می گوید.

علاوه بر این، بر اثر هشیاری انقلابی مردم و ارگان های انقلاب، انتخابات ریاست جمهوری به آرامی گذشت و توطئه ضد انقلاب برای متشنج ساختن و بر هم زدن انتخابات ریاست جمهوری عقیم ماند. این واقعیت نیز موفقیت بزرگی است که امام هم بر آن تاکید کرده اند.

درباره نتیجه انتخابات انجام شده باید یادآور شویم که با آن که **مقام رییس جمهور**، طبق قانون اساسی، از اختیارات زیادی برخوردار نیست، معذالک می تواند تاثیر مثبت یا منفی در روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران داشته باشد.

در همین دوران کوتاه پس از پایان رای گیری، شاهد ارزیابی های گوناگونی درباره نتیجه عملی این انتخابات و اثراتی که این نتیجه می تواند در سرنوشت آینده انقلاب ایران داشته باشد، هستیم. به ویژه محافل امپریالیستی دشمن انقلاب ایران می کوشند، در جهت تامین منافع خود، به این نتیجه پربها دهند و اظهار امیدواری کنند که با این نتیجه گیری، دوران تشدید مبارزات پی گیر و آشتی ناپذیر مردم ایران در راه ریشه کن ساختن همه گونه تسلط امپریالیستی و قبل از همه و بیش از همه تسلط امپریالیسم آمریکا، به پایان رسیده است. باید گفت که متاسفانه اظهارات آقای بنی صدر هم به این خوش بینی های دشمنان ملت، خوراک مناسب داده است. مهم و نتیجه آن را مورد بررسی قرار دهیم:

شرکت مردم در انتخابات

علیرغم سرو صدای تبلیغاتی روزهای انتخابات، نتیجه انتخابات نشان می دهد که شرکت مردم در انتخابات نخستین رییس جمهور بسی محدودتر از شرکت آنان در همه پرسى برای تایید جمهوری اسلامی، و حتی در انتخابات برای مجلس خبرگان و یا در همه پرسى برای تصویب قانون اساسی بوده است. این محدودیت به ویژه به این دلیل چشمگیر می شود، که بخش قابل توجهی از نیروهایی که رای گیری های گذشته را عملاً تحریم کرده بودند، در این انتخابات با فعالیت بی سابقه ای شرکت جستند.

می دانیم که تمام وابستگان به ضد انقلاب، همه وابستگان به بورژوازی لیبرال که انتخابات گذشته را تحریم می کردند، این بار به طور جمعی و فعال در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند و به کاندیدای مورد نظر خود رای دادند. با فرض این که لااقل نیمی از آرای دربار مدنی متعلق به این نیروهاست، به این نتیجه می رسیم که شرکت کنندگان در انتخابات ریاست جمهوری بیش از سه میلیون نفر نسبت به تایید کنندگان قانون اساسی کاهش یافته است. با کمال تأسف باید پذیرفت که این کاهش از آن شهادت می دهد که قشر چشمگیری از زحمتکشان یدی اقدام برای تغییرات بنیادی به سودشان را با تردید می نگرند.

تمرکز آرا اکثریت برای آقای بنی صدر

خود آقای بنی صدر می کوشد این تمرکز آرا را به «شخصیت استثنایی» خویش مرتبط سازد. ولی به نظر ما این ارزیابی درست نیست. به نظر ما، عواملی را که موجب این تمرکز آراء شده، باید به شرح زیر مورد توجه قرار داد:

الف - آقایان بنی صدر و مدنی دو کاندیدایی بودند که تقریباً از همان آغاز دوران پس از پیروزی انقلاب، خود را برای احراز مقام ریاست جمهوری نامزد کردند و تمام فعالیت سیاسی خود را بر روی این محور و در این جهت متمرکز ساختند.

ب - آقای بنی صدر، تا پس از برکناری دولت بازرگان، از پذیرش هر گونه مسئولیت در امور اجرایی استتکاف کرد و با بهره گیری از امکانات استثنایی و انحصاری، یعنی استفاده از رادیو و تلویزیون، از روزنامه «انقلاب اسلامی»، از سخنرانی در چهار گوشه کشور، از عضویت پراعتبار در شورای انقلاب، تنها به تبلیغ برای خویش و به **انتقاد** از نقاط ضعف سیاست **دولت بازرگان** پرداخت. به این ترتیب، در بخشی از افکار عمومی، همه انتقادهای بجا به کمبودهای عینی دوران حکومت دولت بازرگان و ضعف های چشمگیر در سیاست آن دولت، به عنوان یک اندوخته سیاسی «مجازی» به حساب آقای بنی صدر گذاشته شد. در دوران کوتاه قبول مسئولیت هم، آقای بنی صدر توانست با دادن امتیازات چشمگیر مالیاتی به سرمایه داران و بدهکاران به بانک ها، به حساب درآمد دولت، یعنی بذل و بخشش از بیت المال، قشر وسیعی را راضی کند و به بذل و بخشش های بیشتری امیدوار سازد. مسلم است که زیان های این سیاست نادرست بی حساب را متاسفانه مردم ایران در آینده باید بپردازند.

به همه این ها این واقعیت هم باید افزوده شود که **ناخرسندی بخش مهمی از رای دهندگان از برخی زیاده روی های ناصواب راست گرا و افراطی مذهبی و همچنین خرابکاری های دشمن**، که در نهادهای انقلابی مانند **کمیته ها و سپاه پاسداران و دادگاه های انقلاب** رسوخ کرده بودند، نیز به صورت «ذخیره معنوی» مجازی به حساب آقای بنی صدر ریخته شد.

ج - در آغاز دوران مبارزه انتخاباتی برای ریاست جمهوری، حزب جمهوری اسلامی که می توانست نقش مهمی در انتخابات بازی کند، دچار اشتباه از جهت اتخاذ روشن یک روش پیگیر برای ادامه راه انقلاب گردید. رشد اختلافات ناشی از این وضع و عوامل ذهنی ناشی از خودگرایی برخی از رهبران حزب، این حزب را دچار یک بحران داخلی کرد که در نتیجه نتوانست کاندیدای مناسبی، که بتواند در میدان مبارزه انتخاباتی اعتماد توده رای دهندگان را جلب کند، معرفی نماید. پس از شکستی که بر اثر پافشاری روی نامزدی فرد ناشناخته ای مانند جلال الدین فارسی نصیب این حزب شد، این حزب دیگر نتوانست در این میدان قد راست کند. اعمال فشار اکثریت رهبری حزب جمهوری اسلامی در زمینه تحمیل یک کاندیدای نامناسب سبب بروز اختلاف شدید در میان رهبری و اعضا و هواداران آن حزب گردید و در نتیجه ابتکار عمل این حزب عملاً از بین رفت.

د - برای نیروهای چپ رو، به دنبال اشتباه قبلی (که با تحریم تصویب قانون اساسی مرتکب شده بودند) وضعی پیش آمد که نتوانستند کاندیدای مستقلی را در میدان مبارزه وارد کنند و تا آخر نگاه دارند.

ه - نیروهای پی گیر پیرو «خط امام خمینی» خیلی دیر دست به کار شدند و در حقیقت پس از شکست جلال الدین فارسی، به طور متفرق و سازمان نیافته و با تزلزل برای معرفی کاندیدای خود، یعنی آقای دکتر حسن حبیبی، وارد میدان مبارزه شدند. برنامه آقای حبیبی تنها دو روز پیش از انتخابات در تهران منتشر شد و ظاهراً حتی در بزرگترین شهرها هم امکان انتشار نیافت.

و - به این ترتیب در واقع در برابر اکثریت رای دهندگان عملا تنها دو سیمای شناخته شده به عنوان کاندیدا قرار گرفتند، یعنی آقایان بنی صدر و مدنی و در این ارتباط، دو عامل مهم زیر هم به سود آقای بنی صدر تأثیر کرد:

عامل اول این که در جریان مبارزات انتخاباتی معلوم شد که نیروهایی از ضدانقلاب گرفته تا بورژوازی لیبرال و به ویژه عده ای افسران رانده شده و بازماندگان رژیم سرنگون شده در ارتش و ژاندارمری و پلیس همه نیروهای مادی و انسانی خود را برای پیروزی آقای دریادار مدنی به کار انداخته اند. این عامل همه نیروهای معتقد به انقلاب ایران را به هراس انداخت. آن ها امکان پیروزی دریادار مدنی را مانند زنگ خطری برای انقلاب به حساب گذاشتند.

عامل دوم، که از موثرترین عوامل برای تمرکز آرا به سود آقای بنی صدر است، پیام شورانگیز امام خمینی در بستر بیماری بود. بر این پایه که مقام ریاست جمهوری «چیز مهمی نیست که بر سر آن نزاع کنند» و برای نشان دادن وحدت به دشمنان انقلاب ایران، امام همه را فرا خواند که از تقسیم آرا احتراز ورزند، و در جهت تمرکز همه آرا به سود کاندیدایی که زمینه بیشتری دارد، عمل نمایند.

بیانیه پنج کاندیدای ریاست جمهوری، به دنبال پیام امام، و این که اتفاقا نام آقای بنی صدر (به علت حروف الفبا) در صدر امضا کنندگان قرار داشت، اثر این پیام امام را تقویت کرد.

برپایه بررسی و ارزیابی همه این عوامل است که ما، برخلاف آقای بنی صدر و مبلغین «راه» ایشان، عقیده نداریم که 10/7 میلیون رای نوشته شده به نام ایشان، رای برای **نظرات مبهم** ایشان در مسایل گوناگون سیاست داخلی و سمتگیری حادثه جویانه و خطرناک ایشان در سیاست خارجی است.

ما اطمینان داریم که نیروهای عظیم راستین انقلاب ایران، که یکپارچه مدافع «خط امام» در سیاست داخلی و خارجی هستند، به کمک واقعیت زندگی، خیلی زود **این اشتباه** بزرگ را تصحیح خواهند کرد.

ما امیدواریم که آقای بنی صدر در مقام پر مسئولیتی که قرار گرفته اند، پس از گذراندن دوران «پرجوش» پیروزی، موفق شوند که خونسردانه با واقعیات سیاسی و اجتماعی برخورد کنند و از تحمیل آزمایش هایی که در تاریخ دوران معاصر، صدها بار آزمایش شده و با شکست دردناکی برای آزمایش کنندگانش پایان یافته، بر جامعه ما، خودداری نمایند.

با کمال تأسف باید بگوییم که ظاهرا دوران «پرجوش» هنوز به پایان نرسیده است. زیرا اولین اظهارنظرهای رسمی آقای رییس جمهوری طوری است که کارتر و سادات و بگین می توانند برای آن هورا بکشند و «دانشجویان مسلمان مبارز خط امام» به عنوان نماینده یک گرایش درست انقلابی در انقلاب ایران، آن را محکوم می کنند.

آقای بنی صدر این **امکان استثنایی** را در زندگی یافته اند که یا منشا خدمات بزرگ به ملت ایران در راه حل مشکلات عظیمی که با آن روبروست، بشوند و یا آن که با اتخاذ سمت گیری غیرمنطبق با نیازها و ضروریات جامعه ما، زیان های جبران ناپذیری به انقلاب ایران وارد سازند.

حزب توده ایران از **صمیم قلب** خواستار آن است که حالت اول از این دو حالت به واقعیت در آید. به نظر ما، برای پیروزی انقلاب ایران تنها یک راه وجود دارد و آن هم پیروی بی چون و چرا از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی است، خطی که امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی مردم ستمکش ایران و جهان می داند و همه را فرا می خواند که همه توانایی خود را برای در هم شکستن توطئه های رنگارنگ این شیطان بزرگ به کار اندازند،

خطی که همه توجهش برای تغییرات بنیادی در نظام اجتماعی به سود «کوخ نشینان» یعنی توده های ده ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا است، خطی که از همه می طلبد در راه رسیدن به این دو هدف بزرگ ملی و انسانی در صف واحدی متحد شوند و قلم ها و تفنگ ها را از نشانه روی به روی یکدیگر برگردانند و به سوی شیطان بزرگ یعنی آمریکا در صحنه جهانی و به سوی ضد انقلاب و ارتجاع عامل آمریکا در داخل کشور، متوجه سازند. مردم ایران مایل نیستند هیچگونه خط دیگری به شکلی از اشکال جانشین این خط سالم و درست انقلابی شود.

حزب توده ایران در آینده هم مانند گذشته، از این «خط امام» با تمام نیروی خود پشتیبانی خواهد کرد.

حزب توده ایران امیدوار است که آقای بنی صدر هم همه نیروی خود را در همین راه و در همین سمتگیری به کار اندازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

10 بهمن 1358